

آواز آیینی هوربابایی (هوم بابایی)

در ناحیه کاشان

هوشنگ جاوید

این آواز آیینی که از گذشته‌های دور در این منطقه خوانده می‌شده مربوط به آیین «انفاق» در ماه مبارک رمضان است در پاره‌ای از نقاط از شب اول تا شب نیمه رمضان، و در بیشتر نقاط در شب نیمه رمضان اجرا می‌شود، به این ترتیب که گروهی از کودکان و نوجوانان با قرار قبلی بین خودشان، بعد از افطار در یک مکان مشخص جمع می‌شوند و بنا به رأی، یک نفر صندوقدار و یک نفر میاندار انتخاب می‌کنند و پس از فرستادن سه صلوات بلند که معنای خبری دارد به راه می‌افتند و در کوچه‌ها و محله‌ها به گردش درمی‌آیند و نیاز خود را طلب می‌کنند. میاندار حکم تکخوان را دارد و صندوقدار اجناس دریافتی را که اکثراً به صورت پول و خوراکی است جمع می‌کند، و جمع بچه‌ها در پاسخ به هر بیستی که تکخوان بر زبان می‌آورد پاسخ می‌دهند: هوربابا، هوربابا نوعی آواز تکصدایی / چندصدایی که خاصیت اکثر جمع‌خوانی‌های کودکان و نوجوانان ایرانی است.

بعد از خواندن این اشعار میاندار دعا می‌کند و با آمین گفتن همه، جمع راه می‌افتد و به محل دیگر یا کوچه دیگر می‌رود. نوع واکنش کودکانه همراه با سماجت در این آیین برای دریافت نذر و نیاز از صاحبخانه‌ها جالب توجه است، زیرا که وقتی که پاسخی دریافت نمی‌کنند در شعر خود اسم صاحبخانه را آورده می‌گویند: په جوانی، په توانی، په کوزه آبی!

در برخی از نواحی این منطقه سوره «شمس» را جایگزین متن فارسی آوازها کرده‌اند و بچه‌ها برای پاسخ، هجای کشیده آخر آیه‌ها را تکرار می‌کنند. این تکرار نوعی ضرباهنگ در خود دارد که به لحاظ وزنی تن تن تن - تن تن تن است و چنین ادا می‌شود: هاهاهاه - هاهاهاه.

در پایان این آیین آنچه را که به دست آمده و در نزد صندوقدار جمع شده است به طور مساوی بین خود تقسیم می‌کنند و هر کدام به خانه خود می‌رود. این آیین در حقیقت نوعی تشویق نابالغان برای شرکت در «آیین روزه‌داری» است، زیرا که بسیاری از اهالی منطقه معتقدند که در شب پانزدهم ماه مبارک رمضان، امام حسین (ع) و امام حسین (ع) به در خانه جد بزرگوارشان می‌رفتند و سوره نودویکم قرآن را با صدا و آهنگی خوش قرائت می‌کردند و بعد از خواندن سوره، جد و پدر گرامیشان و تمامی مسلمانان را دعا می‌فرمودند، آنگاه پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) برای خوشحالی و تشویق ایشان مقداری خوراکی به آنان می‌دادند، و این آیین نشانه‌ای از همسویی با رفتار حسین است. اهالی فین بر این اعتقادند که این رسم از صدر اسلام به یادگار مانده است. به چهار روایت در این آیین می‌نگریم و سپس بررسی را انجام می‌دهیم:

روایت اول

تکخوان: امشب شب نیمه است که ما مهمانیم از ما حرجی نیست که ما طفلانیم بشقاب را پر از کلوچه و حلوا کن بردار و بیار به دامن ماها کن
جمع خوان‌ها: هوم بابا، هوم بابا هوم بابا، هوم بابا هوم بابا، هوم بابا هوم بابا، هوم بابا

روایت دوم

تکخوان: آقای ما شمایی از باغ شاه میایی نارنج دست شایی تنباکو را گل نم کن آتش به سرش جم کن تا ما بکشیم دودی آواره شویم زودی
جمع خوان‌ها: هاهاهاه، هاهاهاه هاهاهاه، هاهاهاه هاهاهاه، هاهاهاه هاهاهاه، هاهاهاه هاهاهاه، هاهاهاه هاهاهاه، هاهاهاه هاهاهاه، هاهاهاه

روایت سوم

تکخوان: آرخالق خطایی بیوش، بیوش نجایی آقای ما شمایی از خونه در نیایی مردم شما را می بینم از حسرتت می میرم تنباکو را گل نم کن آتش به سرش جم کن تا ما بکشیم دودی آواره شویم زودی
جمع خوان‌ها: هوم بابا، هوم بابا هوم بابا، هوم بابا هوم بابا، هوم بابا هوم بابا، هوم بابا هوم بابا، هوم بابا هوم بابا، هوم بابا هوم بابا، هوم بابا هوم بابا، هوم بابا هوم بابا، هوم بابا هوم بابا، هوم بابا

روایت چهارم

تکخوان: امشب شب نیمه است که ما مهمانیم (نام یکی از کودکان صاحبخانه) آقای شمایی نارنج دست شاییم بیوش بیوش، نجایی از خنه در نیایی مردم شمار می بینم از حسرتت می میرم ده تومنی‌های درازی به تو بشقابای نطنزی به یکیشا در آر و خرده کن نذر بچه‌های درخنه کن تا بچه‌ها راضی شون از در خنه راهی شون
جمع خوان‌ها: هوم بابا، هوم بابا هوم بابا، هوم بابا هوم بابا، هوم بابا هوم بابا، هوم بابا هوم بابا، هوم بابا هوم بابا، هوم بابا هوم بابا، هوم بابا هوم بابا، هوم بابا هوم بابا، هوم بابا هوم بابا، هوم بابا هوم بابا، هوم بابا

در نگاه اول به لحاظ سنندیت تاریخی به «ماه نیایش» در آیین زرتشت بر می‌خوریم و در آن جا درمی‌یابیم که از اول تا پانزدهم ماه از مینویان نیکی، فرخی پذیرد و از روز پانزدهم تا تمامی سی روز به گیتیان (جهانیان) بخشد و در آن جا آمده است که: روز اول بعد از نیمه ماه «روز به افزون» است، در بند دهم نیایش ماه چنین گفته می‌شود که:

ما را دهید آمانندی (توانایی)، پیروز گری، ما را دهید گوشت که ما را نان باد و ما را از چیز خویش باد و ما را دهید آن مردان پر روشی که انجمن (جمع) نیک داند کردن، شکست دهنده کسان و شکست نیافتنی از کس...

و این همان جمع جویی است و اتحاد بین معتقدین به ذات باری تعالی، که پس از قرن‌ها با تبلور در دین اسلام به این شکل درآمد. پیش جمله آوازی هوربابایی حاکی از همین مسئله (جمع‌گرایی) است، دقت کنیم:

امشب شب نیمه است که ما «مهمانیم».

و در جایی که بچه‌ها به دعاگویی می‌پردازند، باز مطابقت خاصی با بند یازدهم ماه نیایش دارد. در آن گفته می‌شود: ایزد پر فر، ایزد پر درمان بخش مایه پیدایی شما باشد که شما نیز پیداتر باشید به پیدایی (سرشناسی).

و دعای بچه‌ها که بدین گونه می‌خوانند:

تکخوان:

حق عمرش بده
برکتش بده
سروریش بده
تاج سرش بده

جمع خوان‌ها:

آمین
آمین
آمین
آمین

و یا:

تکخوان:

این شاخ شاخ درمنه
کنده به شاخ درمنه
هر که در این راه بده
علی^(ع) نجاتش بده

جمع خوان‌ها:

هوکوهو کو، هوکوهو کو
هوکوهو کو، هوکوهو کو
هوکوهو کو، هوکوهو کو
هوکوهو کو، هوکوهو کو

جواب بچه‌ها نیز در این آواز مهم است، پاسخی که ما را به زمان‌های باستان می‌برد زیرا که نام ایزد هوم در اوستا با صفت و عنوان «دور دارنده مرگ» آمده و مورد تقدیس قرار گرفته است. در پسناسا، هات‌های ۹، ۱۰ و ۱۱ که به هوم اختصاص دارند، این ایزد در پاسخ زرتشت که از او می‌پرسد: تو که هستی که در سراسر جهان خاکی، نیکوترین به دیدار می‌آیی؟ می‌گوید: من دوردارنده مرگ هستم...

در هات یازدهم از هوم دلیر نیز سخن به میان آمده است. در شاهنامه فردوسی از آن به صورت «هوم عابد» یاد شده است، وی بندکننده افراسیاب تورانی است که در میان ثلث زمین در میان دیوار آهنین احاطه شده بود.

در مهریشت، هوم درمان بخش، در بلندترین قله کوه هریتی برای ایزدمهر فدیه می‌آورد و او را می‌ستاید و در گوش یشت، هوم درمان بخش برای ایزد نگاهبان

چارپایان فدیه می‌برد و از او می‌خواهد که این کامیابی را بیابد که افراسیاب تورانی را به زنجیر کشد و نزد کیخسرو ببرد.

در نظری دیگر، خواندن سوره شمس به جای شعرها این رأی را می‌پرورد که این آیین و آوازهای آن از کهن‌ترین آوازهای بازمانده آیین نیایش در زمان گسترده کیش زرتشت در منطقه است زیرا که در بند پنجم «نیایش خورشید» نشانه‌هایی از آنچه در سوره شمس کلام الهی آمده است بیان شده است:

نماز به مهر فراخ چراگاه...

نماز به خورشید تیز اسب...

نماز به آب، چشم اورمزدایزد...

و جالب‌تر آن که این آواز در ماهور و به صورت زیر اجرا می‌شود:

جمع خوان‌ها:

تکخوان:

تن تن تن، تن تن تنبر

تن تن تن تن تن تن تن

بر در خانه ارباب جهان مهمانیم
هوم بابا
هوم بابا
هوم بابا

و باز می‌دانیم که لغت بابا بر بزرگان و محترمین که سال که کار بزرگی در طول عمر برای جامعه انجام داده‌اند و حکم استاد و راهنما را یافته‌اند نیز اطلاق می‌شود، و از سویی در حدیث شریف نبوی^(ص) آمده است که فرموده‌اند: آلا بآء ثلاثه (بابا، پدر، سه هستند): آب ولدک، آب زوجک، آب علمک (پدر، پدر همسرت و پدر علمی تو) یا به عبارتی بابایی که به تو علم آموخت.

و نتیجه آن که در گذشته‌های دور به هنگام ورود اسلام به ایران، همان گونه که مساجد بر پایه‌های آتشکده‌ها برپا شدند، این آیین نیز به دلیل ریشه‌های نیایشی و ستایشی آن با تغییر آداب و کلام و ترکیب نوین شکل اسلامی به خود گرفته و در طول زمان‌ها و اعصار مختلف به شکلی که امروزه گاه می‌شود آن را در منطقه شاهد بود و شنید در آمده است، آیینی که به طور کامل در جهت مذهبی قرار داشته و نوعی تبلیغ خداپاوری و تشویق به پیروی از دستورهای الهی را برای کودکان و نوجوانان دارد و با نوع ضرباهنگی که در موسیقی آوازی خود دارد، کلام الهی را بر ذهن انسان در حال تکامل ذهنی و عقلی چونان نقشی بر سنگ حک می‌نماید، چون که می‌دانیم که ماهور خاصیت برانگیزندگی دارد و بی‌اختیار انسان‌ها به شنیدنش می‌شتابند و این نیروی درون این آیین است، آیینی که جزو موارث معنوی ایرانیان است و چون میراث ناملموس است بنای آن زیر تندباد تهاجمات انواع نغمه‌های بیگانه مهجور و غریب روی به اضمحلال نهاده در حالی که قدمتش به کهنسالی تپه‌های سیلک و اشیای عتیقه آن است و تاکنون گمانه‌زنی درباره‌اش نشده است و این نغمه یکی از هزاران است در این مرز پرگهر.